



اوقات

ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۵۴۳ |

نکته ها/ آیت الله حائری شیرازی

با اذان گفتن خودت را بشکن



شهریار پرهیزکار:

رفتار جنون آمیز دشمنان برهانی بر منزلت رفیع قرآن است

تولیت مدرسه علمیه بقیةالله (عج) تهران تبیین کرد

پیوند اخوت؛ شرط لازم برای تحقق جامعه تمدن ساز

پیش بینی هزینه تمتع در پنج گروه قیمتی

نام نویسی مشمولان حج از اواخر بهمن آغاز می شود

کتاب خوانی

زمین به من گفت چی گفت؟



مجموعه چهار جلدی «زمین به من گفت چی گفت؟» از سوی به نشر منتشر شد. این مجموعه شامل شعرهای کودکانه در حمایت از محیط زیست است. زهرا موسوی، شاعر و نویسنده حوزه ادبیات کودک و نوجوان در جدیدترین شعرهایش با به کارگیری کلمات و مفاهیم ساده موضوعات عمومی محیط زیست و عوامل خطر ساز زیست محیطی را مد نظر قرار داده است. کودکان در این کتاب با مفهوم محیط زیست و پیامدهای آسیب های انسان به محیط زیست آشنا شده و وظایف خود و دیگران در برابر محیط زیست را فرا می گیرند. شاعر کتاب های «زمین به من گفت چی گفت» با استفاده از قالب ترانه های عامیانه در این اثر از ریتم و فرم یکسان بهره برده است تا مفاهیم به راحتی در ذهن مخاطبان نقش ببندد. یکی از ویژگی های برجسته این آثار استفاده از فرمی جذاب و ساده برای تصویرگری آثار است و فرم ظاهری کتاب و برش های متفاوت در صفحه ها برای کودکان جذاب است. پیام های این کتاب در یک فضای مقایسه به کودک ارائه می شود؛ بدین نحو که وقتی کودک رنگ های سرد، آندوه و نازیبایی طبیعت دستکاری شده را در کنار تصاویر و رنگ های شاد طبیعت بکر قرار می دهد، احساس او درگیر این موضوع شده و بهتر آن ها را تفهیم می کند. نقاط اختلاف و اشتراک تصاویر می تواند ذهن او را به چالش کشیده و تصمیم نهایی در این مورد را به او واگذار کند.

نیمکت زندگی

بعضی پرتقال ها شیرین ترند



محمدحسین نیکبخت

یکی از برجسته ترین عرصه های وقف در تاریخ ایران، نقش آفرینی این سنت حسنه برای تسهیل و خدمت رسانی به امر زیارت است. این موضوع در مشهد که به دلیل قرار گرفتن حرم مطهر رضوی، طی قرن های گذشته همواره میزبان خیل زائران بوده است، بیشتر به چشم می آید. بزرگان ساکن این شهر و نیز افراد صاحب نفوذ و دست به خیری که در کسوت زائر وارد مشهد می شدند، با وقف اموال خود برای تأمین نیازهای رفاهی و روزمره زائران، مجموعه ای از وقف های زواری را پدید آوردند که هنوز هم بسیاری از آن ها پابرجاست.

■ قدیمی ترین سند

قدیمی ترین اسناد مربوط به وقف های زواری، مربوط به دوره صفویه است. در این دوره به دلایلی چون رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران، برقراری امنیت، تسهیل سفر به مشهد و توجه ویژه فرمانروایان صفوی به مشهد که بخشی از آن، به تقابل با حکومت عثمانی مربوط می شد و جای بررسی و بحث آن اینجا نیست، تعداد موقوفه های آستان قدس رضوی رو به افزایش گذاشت و به تدریج حجم معتنابهی از اراضی و تأسیسات مسکونی و تجاری این شهر را در بر گرفت. در سال ۹۴۰قمری / ۹۱۲شمسی در دهه نخست حکومت شاه تهماسب یکم صفوی که آن را عصر تثبیت حاکمیت صفویه نیز می دانند، شخصی به نام «سیدلطیف شاه حسینی» موقوفه ای را برای رسیدگی به امور زائران فقیر و در راه مانده اختصاص داد که در حال حاضر قدیمی ترین سند مربوط به وقف زواری در مرکز اسناد آستان قدس رضوی است. درباره سیدلطیف و فرجام او، اطلاعاتی در اختیار نداریم.

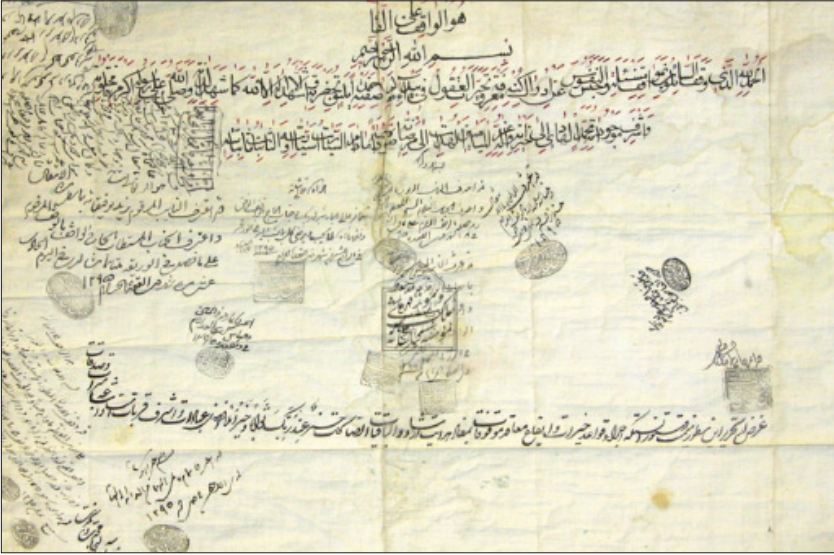
■ بانوان واقف و وقف زواری

دامنه موقوفه های زواری، در دوره شاه تهماسب یکم گسترش چشمگیری داشت. این را می توان از اسناد برجا مانده به خوبی فهمید. مسلماً تعداد این موقوفه ها، بسیار بیشتر از اسنادی بوده که به دست ما رسیده است. حدود ۱۰ سال پس از سیدلطیف، امیر سیدجلال الدین محمد نیز

نگاهی به تمهیدات حمایت از زائران امام رضا(ع) در چهار قرن پیش

وقف های ویژه زیارت در عصر صفوی

رقباتی را وقف زائران حرم رضوی کرد؛ طبق وقف نامه او، زائران در راه مانده و فقیر می توانند از درآمد موقوفه بهره ببرند، مشروط بر آنکه برای خیر دنیا و آخرت واقف دعا کنند. ابوالفتح علی الحسینی نیز از واقفانی است که به حوزه وقف زواری توجه داشته و سند وقف او، مربوط به سال ۹۵۷قمری / ۹۲۹شمسی هنوز موجود است. گسترش این موقوفه ها در دوره فرمانروایان بعدی صفویه هم ادامه داشت و حتی در بین واقفان این عرصه می توان به بانوان خیر و نیک اندیش هم برخورد کرد؛ مثلاً «آغاخانم بنت ارشدی یکیک ذوالقدر» که احتمالاً از وابستگان امرای صفوی قزلباش و طایفه ذوالقدر بود در سال ۹۹۷قمری یعنی دوره شاه عباس یکم، درآمد بخشی از املاک وقفی خود را به امور زائران و رسیدگی به احوالات آنان اختصاص داد.



■ ۲ واقف برجسته با رویکرد خاص

در میان چهره های واقف دوره صفوی، دو چهره معروف یعنی مهدی قلی بیگ، میرآخور شاه عباس و بانی حمام مشهور بازار فرش مشهد و همچنین صفی قلی خان، بیگلربیگی مشهد در دوره شاه عباس دوم، نگاهی ویژه و اختصاصی به وقف زواری داشته اند. مهدی قلی بیگ، مزرعه «جاغر» از بلوک تبادکان را در سال ۱۰۱۱قمری وقف طلاب و زائران فقیر کرده و شرط کرده است تا زمانی که در

نگاهی به مجموعه فرش های نفیس موزه ملی ملک

گنجینه صدساله وقفی



۴

منبر مجازی

سکوت و محبت



حجت الاسلام شریفیان: اسلام و روایت ها

در آداب اجتماعی از ما خواسته اند یک جاهایی حرف بزنیم و یک جاهایی سکوت کنیم... انسان با سکوت، حلمش دیده می شود. اصلاً آدم بردبار کسی است که به موقع کار می کند و حتماً از لوازم این به موقع کار کردن علم است، وقتی علم است که بفهمی کجا از آن استفاده کنی ... حلم هم در واقع پیدا کردن جایگاه های کاربرد علم است... آدم حلیم می داند این علم به درد چه کسی می خورد و چه زمانی و چه مکانی باید حرف بزند. در واقع موقعیت شناسی است... انبیا(ع) حلیم هستند یعنی می دانند این حرف را کجا باید زد. سکوت بابٌ مِنْ آبِوابِ الْحِکْمَةِ... می خواهید دریچه های حکمت برایتان باز شود با کثرت کلام نمی شود، آدم باید سکوت داشته باشد... بداند کجا حرف بزند کجا ساکت باشد... الصَّمْتُ یَکْسِبُ الْفَتْحَ... در روابط اجتماعی با سکوت محبت بدست می آوری. آدم هایی که کم حرف هستند، دوستدار زیادی دارند چرا؟ چون خیلی اوقات حرف های ما گزنده، آسیب زننده و جاهلانه است. دافعه ایجاد می کنند... کسی اگر کم حرف بزند، حرف پخته و بجا می زند و معلوم است محبت ایجاد می کند... این سکوت شماسنت که تنظیم گر روابط شماسنت چون اصل تنظیم گری ما با همدیگر زیانمان و روی خوشمان است... آدم اگر نتواند زبانش را کنترل کند روابطش قطعاً به هم می ریزد. قرآن می گوید یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ ... کتاب همان دستورات برای ماست ولی با دستورات شما نمی توانید حرکت کنید... حکمت لازم دارید ... حکمت مثل نوری است که حتی دستوراتتان را هم در پرتو او باید ببینید. آدم ها معمولاً دستورات را می فهمند ولی جای دستورات و کاربردش را نمی دانند... دستوراتی که بر شما نوشته شده، حکمت ایجاد نمی کند... حکمت یک چیز دیگر است. یک نوع مهندسی در همه تکالیف و در روابط با دیگران است... حکیم به کسی می گویند که وقتی کاری می کند از هر جهت نگاه می کنی می بینی تمام و کمال است... برخورد حکیمانه، کار حکیمانه مقدمات می خواهد... یک جاهایی سکوت نیاز دارد... یک جاهایی حرف زدن نیاز دارد. قول حسن که می گویند یعنی این حرف زدن نه فقط محتوایش زیباست بلکه زمان انتخاب شده اش برای بیان حرف هم بجا و زیباست... فردی هم که انتخاب شده تا حرف بزند، به درد این نوع حرف زدن می خورد... این خیلی مهم است آدم بفهمد حرف زدن در اعمال ما چه جایگاه ویژه و مهمی دارد. رسول خدا(ص) فرمودند اگر کسی بفهمد در روابط اجتماعی جایگاهش کجاست و چقدر می تواند مؤثر باشد، کلامش کم می شود... البته گاهی انسان مأموریت حرف زدن دارد... آن هم در جایی که علم و اشراف علمی دارد... آن هم در مسائلی که به او ربط دارد.

خودرو برای عرض عذرخواهی. طبقه پنجمی ها شیشه ماشین را می کشند پایین و دو تا پرتقال می دهند دست مرد کاسکت دار. حالم خوب می شود. «آخیش خداجان» تنها جمله ای ست که به ذهنم خطور می کند. یعنی واقعاً این قدر ساده و راحت این شود زندگی را قشنگ کرد؟

سنتجاق

حضرت محمد(ص) می فرمایند: نخستین چیزی که روز قیامت در ترازوی اعمال بنده گذاشته می شود، اخلاق خوب اوست.

می دادند خودش را بیمه کند. یا چرا اصلاً راه دور. همین دو گلدان بزرگی که چند وقت پیش برای زیبایی و طراوت هدیه کردند به ساختمان. مثل ماه رمضان که نذری آوردند و همین که دیدند واحد روبه روییمان خانه نیستند خواهش کردند اگر آمدند باخبرشان کنیم. یا نان محلی که تابستان ها حتماً سوغاتی می آورند از شاهرود. یا ماسکی که از صورتشان برمی دارند موقع سلام علیک. هنوز دارم نگاه می کنم. انگار آقای پیک، ملتفت موضوع می شود که می رود کنار

جلو پارکینگ اما از بوق و شکایت و داد و قال خبری نیست. طبقه پنجمی ها محترمانه دقایقی معطل می مانند تا پیتزاها برسند به مقصد. مهربانی می کنند مثل همیشه.

با دیدن این صحنه، حظ می برم. بعد این همه سال همسایگی دستم آمده چقدر منش این خانواده زیاد است. مثال پشت مثال صف می کشد توی سرم. مثل آن روز دم آسانسور که اجازه دادند میهمانان طبقه سوم، مقدم باشند. یا پارسال که از سر دلسوزی داشتند به آقای مشاوره